

فاطمه مجرای، همسایگان خوب محله ایثارگران را مهم‌ترین عامل فعالیت‌های اجتماعی‌اش می‌داند

حلقه‌های سازنده دوستی



محله‌گردی

ایستگاه
اول

صفائی‌ا برای فاطمه مجرای، محله ایثارگران فراتر از مکانی برای سکونت است، زیرا آینده و مسیر زندگی‌اش در همین محله برایش رقم خورده و سبب شده است که اکنون او یکی از فعالان فرهنگی و اجتماعی، فرمانده پایگاه بسیج و عضو شورای اجتماعی محله باشد.

از شب ازدواجش ساکن ایثارگران ۳۲ شد؛ خانه‌ای که او و همسرش به جای خرید جهیزیه و ریخت و پاش‌های عروسی در آن زمان با کمک هم ساختند و سال‌ها در آن ساکن بودند. به گفته فاطمه خانم اگر ساکن محله دیگری می‌شد، به طور حتم مسیر زندگی‌اش این نبود و به خاطر این فرصتی که خدا در اختیارش گذاشته بسیار خرسند است و عرق خاصی به محل زندگی‌اش دارد.



این اولین خانه ماست که هجده سال در آن ساکن بودیم و دو فرزند هم در آن به دنیا آمدند. بعد از ظهرها همسایه‌ها دور هم جمع می‌شدیم و ساعتی در کنار هم بودیم. اگر مشکلی داشتیم مثل اعضای خانواده به من کمک می‌کردند.

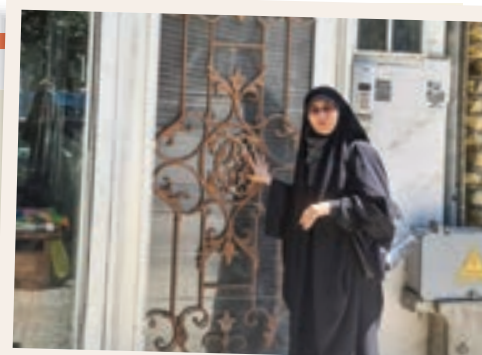
ایستگاه
دوم

زمانی که به اینجا آمدم، بار و ضه خانه آقای سیدی به نام «هیئت خادم المهدی» در معبر ایثارگران ۱۹ آشنا شدیم. من و همسر هر زمان که آقای سیدی مجلس داشت به خانه‌شان می‌آمدم. اینجا دو مین مکانی است که سبب شد در این محله آرامش داشته باشیم. خانم سیدی مثل یک دوست برایم بود.

ایستگاه
سوم

ایستگاه
چهارم

حسینی‌ه صاحب الزمان (عج) در همسایگی آقای سیدی در معبر بود و طبقه پایینش مهد قرآنی وابسته به آستان قدس فعالیت داشت. چون فرزندانم رابه مهد می‌بردم، با فرمانده بسیج خواهران مسجد حضرت ابوالفضل (ع) آشنا و عضو پایگاه بسیج شدم. در واقع این حسینی‌ه، من را با مسجد حضرت ابوالفضل (ع) آشنا کرد.



ایستگاه
پنجم

سال ۱۳۹۲ به عنوان مربی طرح شهید بهنام محمدی به مدرسه طباطبایی رفتم. اولین بار که وارد مدرسه شدم، دیدم بچه‌ها روی زمین نشسته‌اند، خوراکی می‌خورند. من هم مثل خودشان نشستم و خوراکی خوردم. این شروع آشنایی و دوستی ماندگار با بچه‌ها بود.



ایستگاه
ششم

در مسجد و حسینیه حضرت ابوالفضل (ع) با مرحوم آقای مهدیان آشنا شدم. آن زمان مسئول شورای حل اختلاف و رئیس شورای اجتماعی محله بود. او که فعالیت‌های مراد محله می‌دید، از من خواست به عنوان میهمان وارد شورای اجتماعی محله شوم و بعد عضو این شورا شدم.

زمین خاکی انتهای خیابان ایثارگران، روزگاری باغی پر از درختان گیلاس و گلابی بود که بیشتر ساکنان قدیمی خاطرات خوشی از آن دارند. این باغ درود یواری در اطرافش نداشت. گاهی بعد از ظهرها همسایه‌ها زیر درختانش فرش پهن می‌کردند و با سینی چای دور هم می‌نشستند. بچه‌ها هم در کنار آن‌ها زیر سایه درختان بازی می‌کردند.



عکس: حمیده صفائی/شهرآرامش